

## مرگ اندیشی در اندیشه علوی؛ مطالعه کیفی به روش نظریه زمینه بنیاد (GT)

\_\_\_\_\_ محسن کارگر<sup>۱</sup> - کمال صحرائی اردکانی<sup>۲</sup> \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ یاسر رضایپور میرصالح<sup>۳</sup> - یحیی میرحسینی<sup>۴</sup> \_\_\_\_\_

### چکیده

مرگ اندیشی یکی از توصیه های مؤکد اسلامی است. در این نوشتار با هدف کشف مدل مرگ اندیشی دینی بر داده های نهج البلاغه تمرکز شده است. روش تحقیق از نوع روش تحلیل کیفی و به شیوه نظریه زمینه بنیاد (Grounded Theory) است. نخست به کمک نرم افزار دانشنامه علوی، گزاره های مشتمل بر واژه «موت» و مترادف های آن استخراج و با رویکرد استراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری شد. از تعداد ۱۴۲ گزاره مرتبط با مرگ به روش نمونه گیری نظری و هدفمند، ۱۵۲ مفهوم اولیه و ۲۳ مقوله اصلی به دست آمد.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، ایران. Mkgarh@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، ایران (نویسنده مسئول).

Sahraei@meybod.ac.ir

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، ایران.

Y.Rezapour@ardakan.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، ایران.

Mirhoseini@meybod.ac.ir

همچنین مقوله «گریزناپذیری مرگ» با بیشترین بسامد به عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد. در الگوواره (مدل پارادیمی) به دست آمده، «تقدیر الهی» و «زوال پذیری» به عنوان شرایط علی و «مرگ آگاهی» به عنوان شرایط زمینه ای و «سختی»، «پنهان بودن»، «ناخوشایند بودن» و «ترسناک بودن» مرگ جزو شرایط مداخله گر شناسایی شد. مهم ترین راهبردها (استراتژی) در این مدل، مواردی از جمله «کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن»، «غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی»، «آمادگی برای مرگ»، «برنامه ریزی برای آخرت»، «مرگ خودخواسته» و «عبرت آموزی» است. در نهایت نیز «عدم اضطراب از مرگ»، «رهایی از تعلقات دنیوی»، «رضایتمندی از کمبودها»، «تواضع» و «پشیمانی پس از مرگ» به عنوان پیامدهای مرگ‌اندیشی در این مدل به دست آمد.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، مرگ‌اندیشی، تحلیل کیفی، نظریه زمینه بنیاد، گراند تئوری.

## ۱. بیان مسئله

مرگ در زیست‌شناسی پایان چرخه زندگی موجود زنده و در پزشکی توقف کامل و بی بازگشت اعمال حیاتی است. (پورجوهری، ۱۳۸۳: ۲۰) انسان‌ها مرگ را می‌شناسند و کم‌وبیش درباره آن سخن می‌گویند و البته گاهی به کم‌وکیف آن می‌اندیشند. غفلت از مرگ تا هراس از مرگ در دو سوی طیف مرگ‌اندیشی قرار دارد و تا آنجا که تاریخ بشر نشان می‌دهد، همواره این دو حالت در نزد او بوده است.

هرچند تأمل و اندیشه‌ورزی درباره پدیده مرگ می‌تواند بدون پیش‌زمینه خاصی صورت پذیرد؛ اما غالباً در معرض مرگ قرار گرفتن خود فرد یا مشاهده مردگان، اطلاع از مرگ دیگران و در موارد اندکی تجربه آستانه مرگ «آتوسکپی»<sup>۱</sup> (ملوین، ۱۳۸۰: ۲۳) زمینه‌ساز مرگ‌اندیشی است.

به هر رو، مرگ اسرارآمیز است و شاید یکی از دلیل‌های آن این باشد که نمی‌توان گفت مرگ شبیه چیست و تعریف آن به توقف حیات نیز نوعی دور به نظر می‌رسد؛ چراکه مرگ و

1. Autoscopy.

حیات دو امر متضایف است و تعقل دربارهٔ هر یک به دیگری باز بسته است. (قائمی و واعظی، ۳۹۳: ۱۶۲)

به طور کلی می‌توان گفت که در دوره‌های مختلف، دیدگاه‌ها دربارهٔ مرگ و واکنش‌ها در برابر آن متفاوت و گاه متضاد بوده است. (کمالی بانیانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۹)

اکنون حتی در جوامعی که بیشتر بر مؤلفه‌های زندگی و لذت بردن از دنیا تأکید می‌شود و عامدانه می‌کوشند که مقولهٔ مرگ به فراموشی سپرده شود، صداهایی برای لزوم اندیشیدن به مرگ به گوش می‌رسد. (کوبلر راس، ۱۳۷۶: ۳۴)

پدیدهٔ مرگ از زوایای مختلف و در دانش‌های گوناگون قابلیت تفکر، تأمل و اندیشه‌ورزی دارد؛ چنان‌که در «فلسفه»، «روان‌شناسی»، «انسان‌شناسی»، «تاریخ»، «جامعه‌شناسی» و غیره مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. تمرکز رویکرد فلسفی بر چیستی مرگ و نوع برخورد با آن است. در روان‌شناسی، جنبه‌های روانی و فردی مرگ بررسی می‌شود و در مطالعات انسان‌شناسی، منشاء نگرش به مرگ و مناسک پیرامون آن مورد توجه است. در رویکرد تاریخی نیز انگاره‌های شکل گرفته دربارهٔ مرگ به لحاظ تاریخی کاویده می‌شود. همچنین در مطالعات جامعه‌شناسی جنبه‌های اجتماعی مرگ تحلیل می‌شود. (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۶)

به‌رغم تلاش‌های گستردهٔ بشری برای درک زوایای مختلف موضوع مرگ و با وجود توفیقات نسبی در فهم برخی از ابعاد آن، این پدیده همچنان محل بررسی و پژوهش‌های مختلف است. یکی از عرصه‌های گستردهٔ مرگ‌اندیشی، پژوهش‌های دینی به‌ویژه تحقیقات اندیشمندان مسلمان در این حوزه است. تحقیقاتی که تلاش می‌کند تا موضوع مرگ را از منظر درون دینی و با تکیه بر متون دینی واری و کاوش کند. بر این اساس، تحقیق حاضر در صدد ارائهٔ توصیف و تحلیلی از مرگ‌اندیشی به روش تحلیل کیفی است که البته بر یکی از متون دینی مبتنی باشد. از این‌رو نگارنده مطالعهٔ موردی خود را بر سخنان امام علی علیه السلام در کتاب نهج‌البلاغه قرار داده است. کتابی که در آن، موضوع مرگ بسیار پر بسامد است. بدین سان مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر چیستی مدل مرگ‌اندیشی

در اندیشه امام علی علیه السلام است.

اهمیت اندیشه ورزشی درباره مرگ به دلیل مواجهه همه انسان‌ها با آن برکسی پوشیده نیست. توجه به مرگ و اندیشه ورزشی درباره آن در ابعاد حیات انسانی چنان تأثیرگذار است که شاید هیچ کسی را نتوان یافت که در طول عمر خویش، خواسته یا ناخواسته، در معرض اندیشه ورزشی درباره آن قرار نگرفته باشد؛ چنان‌که این امر علاوه بر عموم مردم، آرا و اندیشه‌های متفاوتی را از سوی اندیشمندان غربی و دانشمندان اسلامی باعث شده است. (مهری و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۵-۶۵)

به نظر می‌رسد که مرگ‌اندیشی در دوره معاصر رو به فزونی گذاشته است؛ برای نمونه باید به سازمان‌هایی اشاره کرد که مواجهه با مرگ را آموزش می‌دهند. با وجود این، تلاش می‌شود که کمتر درباره زندگی پس از مرگ سخن گفته شود؛ یعنی در حالی که مذهب به مرگ در قالب جهان پس از مرگ می‌اندیشد (کلباسی اشتری و نقوی، ۱۳۹۴: ۲۶)، دنیای مدرن به مرگ به مثابه یک پدیده و رخداد و پیامدهایش می‌اندیشد، بدون اینکه به جهان پس از مرگ فکر کند. (قربانی، ۱۳۸۸: ۵۰)

با این همه، مقوله مرگ و اندیشه ورزشی درباره آن همواره در معرض توجه ادیان گوناگون به ویژه ادیان ابراهیمی بوده و در بینش اعتقادی بسیاری از انسان‌ها حضور جدی داشته است. (احمدی ملکی، ۱۳۷۸: ۲۷۱) این موضوع در دین اسلام برجستگی بیشتری یافته و بخش زیادی از گزاره‌های دینی را به خود اختصاص داده (مظفری و رسی، ۱۳۸۸: ۱۱)؛ چنان‌که با جست‌وجوی واژه «موت» و مترادفات آن در نهج‌البلاغه کاملاً اثبات پذیر است و به خوبی اهمیت مقوله مرگ‌اندیشی دینی را نمایان می‌سازد. کثرت گزاره‌های مرتبط با مرگ و قیامت در متون دینی و از جمله در نهج‌البلاغه ضرورت تحقیق و پژوهش بیشتر و به کار بستن روش‌های جدید پژوهشی از جمله پژوهش‌های کیفی را دوچندان می‌کند.

از سوی دیگر براساس سخنان امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه مرگ‌اندیشی آثار فراوانی خواهد داشت (خادم جهرمی، ۱۳۹۸: ۱۹) و آشنایی با این آثار و سازوکار دستیابی به آن‌ها ضرورت پژوهش در این مقوله را به خوبی نشان می‌دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

اندیشه‌ورزی درباره پدیده مرگ، همزاد حیات آدمی است. اندیشیدن درباره این مقوله رازآلود دیدگاه‌ها و نظرات متنوع و متکثری ایجاد کرده است. به تدریج و با مکتوب شدن اندیشه‌های بشری، تألیفات متعددی در حوزه مرگ و اندیشه‌ورزی درباره آن تولید شده که پرداختن و معرفی آن‌ها در حوصله این مقاله نیست؛ ولی به طور ویژه می‌توان به آثاری اشاره کرد که به نوعی مقوله مرگ را در نهج البلاغه و یا از منظر امام علی علیه السلام کاوش کرده‌اند:

مجید صادقی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی توصیفی با نام «مرگ، آستانه جاودانگی: تبیین حقیقت مرگ از دیدگاه نهج البلاغه»؛ حمیدرضا بهروان (۱۳۸۸) در مقاله «مقایسه مرگ اندیشی در نهج البلاغه و مینوی خرد و بهره‌های تربیتی آن»؛ بخشعلی قنبری و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «معنا و مفهوم مرگ آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی علیه السلام»؛ طاهری سرشنیزی و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیقی با نام «مرگ آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج البلاغه»؛ سید محمود نجاتی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مرگ و مردن: روایت‌های علم اجتماعی و دانش دینی (نظریه اجتماعی، نهج البلاغه، مثنوی معنوی)»؛ مریم ایمانی خوشخو و کبری اسمعیلی (۱۳۹۴) در «آثار مرگ اندیشی در قرآن و سخنان امام علی علیه السلام»؛ مهدی رضا کمالی و دیگران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «واکاوی مسائل مرگ و زندگی در نهج البلاغه با توضیح تقابل‌های دوگانه در ساختارگرایی»؛ حامده خادم جهرمی (۱۳۹۸) در تحقیق توصیفی-تحلیلی «آثار فردی و اجتماعی مرگ اندیشی از دیدگاه نهج البلاغه»؛ فاطمه حمیدی فرو دیگران (۱۳۹۸) در یک بررسی پژوهشی با عنوان «حقیقت مرگ در قرآن و دلایل ترس از آن از دیدگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»؛ مریم توکل نیا و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «الاستعارات المفهومیة عن الحیاة بعد الموت فی نهج البلاغة دراسة و تحلیلیاً» و سرانجام ندر راه‌بار و مهدی خبازی کناری (۱۴۰۰) در تحقیقی فلسفی با عنوان «خوانشی اگزیستانسیالیستی از مفهوم مرگ در نهج البلاغه».

تحقیق حاضر در کنار پژوهش‌های یادشده می‌کوشد که مرگ‌اندیشی از منظر امام علی علیه السلام را با روش تحلیل کیفی و به صورت خاص به شیوه نظریه زمینه بنیاد (GT) بررسی کرده و الگوی پارادیمی آن را ارائه کند.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است؛ یعنی روشی که برای «دیدن آنچه پشت آن‌ها نهفته است و نیز برای کسب نگاهی نو درباره چیزهایی که میزانی از آگاهی درباره آن‌ها وجود دارد» به کار می‌رود. (استراوس و کوربین، ۲۰۰۶: ۱۹) در این میان یکی از انواع تحقیقات کیفی، نظریه زمینه‌ای است که گاه با نام‌های داده بنیاد، نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه پردازی داده بنیاد، نظریه مفهوم‌سازی بنیادی، GTM و Grounded Theory خوانده می‌شود. (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۰) سه رویکرد مسلط در نظریه داده بنیاد قابل تمایز است: «رویکرد نظام‌مند»<sup>۱</sup> که به اثر استراوس و کوربین (۱۹۹۸) شناخته می‌شود، «رویکرد ظاهرشونده»<sup>۲</sup> که مربوط به اثر گلاسر (۱۹۹۲) است و رویکرد «ساختارگرایانه»<sup>۳</sup> که توسط چارمز (۱۹۹۰) حمایت می‌شود. (علی احمدی و ساروی مقدم، ۱۳۹۷: ۲۹)

از میان سه خوانش این نظریه، رویکرد عینی‌گرایی (استراوس و کوربین) یکی از رویکردهای متداول است که از روندی تحلیلی و منظم برخوردار است. در این رویکرد، محقق به صورت نظام‌مند به دنبال توسعه نظریه‌ای است که به تبیین فرایند، کنش و تعامل در موضوع مورد مطالعه خود می‌پردازد. (ایمان، ۱۳۹۷: ۷۵)

در این روش، پژوهشگر به جای اینکه مطالعه خود را با نظریه‌ای از پیش تصور شده‌ای آغاز

- 
1. Systematic.
  2. Constructivist.
  3. Emergent.

کند، اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. (حریری، ۱۳۸۵: ۱۰۹)

مهم‌ترین بخش روش داده‌بنیاد، بخش کدگذاری داده‌ها یعنی فرایند تجزیه و تحلیل داده‌هاست که به تشکیل مفاهیم، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات مقولات می‌انجامد. منظور از مفاهیم، معنای خاصی است که از یک کلمه، جمله و یا پاراگراف استنباط می‌شود؛ پس یک جمله ممکن است چند مفهوم داشته باشد و یا چند جمله و پاراگراف فقط یک مفهوم داشته باشند. (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۸)

در نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری به سه روش و در مراحل زیر انجام می‌شود:

### الف) کدگذاری باز<sup>۱</sup>

کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل داده‌هاست که به صورت مشخص به نام‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها می‌پردازد. برچسب‌زدن به پدیده‌ها (اسم و عنوان دادن به مفهومی که از هر گزاره استنباط می‌شود) و کشف مقوله‌ها (عناوین کلی‌تر که از تعدادی از مفاهیم مشابه حاصل می‌شود) دو اقدامی است که بر روی داده‌های خام انجام می‌شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۳)

### ب) کدگذاری محوری<sup>۲</sup>

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های به دست آمده در مرحله کدگذاری باز است. این نوع از کدگذاری به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله، پژوهشگریکی از مقولات را که غالباً بیشترین تکرار را در میان دیگر مقوله‌ها دارد، به عنوان مقوله محوری انتخاب کرده و آن را تحت عنوان پدیده مرکزی<sup>۳</sup> در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار می‌دهد و ارتباط دیگر مقولات را با آن مشخص

1. Open coding.
2. Axial coding.
3. Core category or phenomenon.

می‌کند. (علی احمدی و ساروی مقدم، ۱۳۹۷: ۳۸)

مفاهیم مرتبط با مقوله مرکزی عبارت‌اند از:

- شرایط علی (Causal conditions)

- شرایط زمینه‌ای (Context)

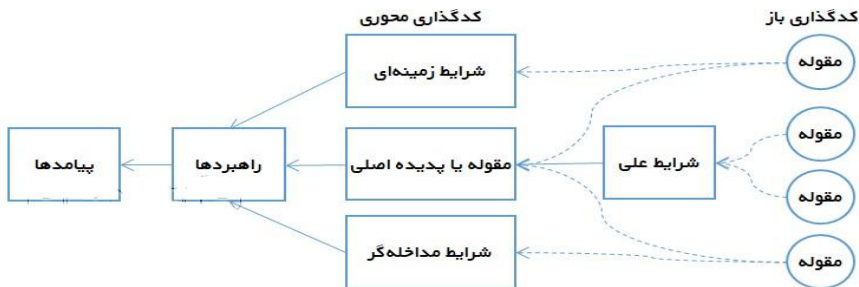
- شرایط مداخله‌گر (Intervening conditions)

- راهبردها و اقدامات (Strategies)

- پیامدها (Consequences)

به این مجموعه الگوواره، مدل پارادایمی گفته شده و به شکل زیر نمایش داده

می‌شود:



شکل ۱: مدل پارادایمی نظریه زمینه‌ای

### ج) کدگذاری انتخابی<sup>۱</sup>

کدگذاری انتخابی، سومین مرحله در کدگذاری روش تحقیق داده بنیاد است. از جمله اقداماتی که در این مرحله انجام می‌پذیرد، عبارت است از: انتخاب مقوله اصلی به طور منظم (سیستماتیک) و ارتباط دادن آن با دیگر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پرکردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند. نخست، مقوله محوری به شکل نظام مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده می‌شود و آن روابط در چارچوب یک

1. Selective coding.



داستان (روایت) ارائه شده و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌شود. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۱۸-۱۲۰)

### ۲-۳. قلمرو تحقیق

قلمرو پژوهش حاضر کتاب نهج البلاغه است که خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی علیه السلام در آن گردآوری شده است. برای دستیابی به موضوع مرگ‌اندیشی در نهج البلاغه، گزاره‌های این کتاب که معنا و مفهوم آن‌ها با پدیده مرگ مرتبط است و حداقل یکی از کلیدواژه‌های «موت» و یا کلمات هم‌معنا با مرگ در آن‌ها وجود دارد، انتخاب گردید و در سه مرحله کدگذاری شد.

### ۳-۳. روش انتخاب نمونه

روش انتخاب نمونه، روش نمونه‌گیری نظری<sup>۱</sup> است. این روش از نمونه‌گیری برای این ایده استوار است که در فرایند تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، محقق به کجا توجه کند تا بتواند نظریه را توسعه دهد. (ایمان، ۱۳۹۷: ۸۷) این روش از نمونه‌گیری محقق را قادر می‌سازد تا مسیرهایی از نمونه‌گیری را برگزیند که می‌تواند بیشترین بازده نظری را داشته باشد. معیار قضاوت درباره زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری، اشباع مقوله‌ها یا نظریه است.

از این رو با کمک نرم‌افزار دانشنامه علوی و از طریق کلیدواژه‌های مرتبط با مرگ، گزاره‌هایی که حداقل یکی از واژه‌های «مرگ» در آن‌ها به کار رفته است، استخراج شد. برای اطمینان از اشباع نظری، همه گزاره‌های استخراج شده از نهج البلاغه مفهوم‌گیری و مقوله‌بندی گردید.

## ۴-۳. ملاک‌های ارزشیابی پژوهش

استراوس و کوربین با به‌کارگیری روایی و پایایی در تحقیقات مبتنی بر روش نظریه داده‌بنیاد مخالفت کردند و به جای آن از معیار «مقبولیت» استفاده کردند. مقبولیت از نظر آن‌ها به این معنی است که یافته‌های پژوهش تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان، پژوهشگر و خواننده، درباره پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است. (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۹) لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> مفهوم «قابلیت اعتماد» را به عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح کرده‌اند تا به کمک آن دقت علمی را در پژوهش کیفی مورد ارزیابی قرار دهند. این مفهوم از چهار عنصر باورپذیری<sup>۲</sup>، اطمینان‌پذیری<sup>۳</sup>، تأییدپذیری<sup>۴</sup> و انتقال‌پذیری<sup>۵</sup> تشکیل شده است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۳)

با پذیرش این شاخص‌ها تحقیق حاضر به دلیل نقل داده‌ها از کتاب نهج البلاغه با سندی معتبر از شاخص «باورپذیری» و به علت هم‌راستایی کلام امام علی علیه السلام با کلام الهی، یعنی قرآن کریم و سازگاری با دیگر سخنان معصومین علیهم السلام از شاخص «انتقال‌پذیری» برخوردار است و افزون بر این به علت وثاقت و عصمت امام و در دسترس بودن کلام امام علی علیه السلام برای همه محققان، شاخص «اطمینان‌پذیری» و به دلیل شهرت و اعتبار کتاب نهج البلاغه در میان اندیشمندان مسلمان، شاخص «تأییدپذیری» را در حد بسیار بالایی داراست. همچنین در برداشت‌های مفهومی از گزاره‌های نهج البلاغه نیز از چند نفر از خبرگان آشنا به کتاب و معارف نهج البلاغه استفاده شد و مفاهیم به دست آمده در مراحل کدگذاری، مورد بازبینی آنان قرار گرفته و تأیید شد.

- 
1. Lincoln and Guba.
  2. Credibility.
  3. Dependability.
  4. Confirmability.
  5. Qualitative objectivity.

## ۳-۵. یافته‌ها

هدف از این بخش، ارائه و تشریح یافته‌های عمده یا مقوله‌های اصلی‌ای است که بنیان نظریه زمینه‌ای را تشکیل می‌دهد. منطق و شیوه ارائه یافته‌ها براساس الگوی عمومی پژوهش‌های انجام شده در نظریه زمینه‌ای است که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد.

## ۳-۵-۱. نتایج کدگذاری بازگزاره‌های مرتبط با مرگ در نهج البلاغه

در مرحله کدگذاری باز، ۱۴۲ گزاره از نهج البلاغه که مشتمل بر یکی از واژه‌های مرگ بود، انتخاب شد و پس از کدگذاری باز، ۱۵۴ مفهوم اولیه از آن‌ها به دست آمد که بعضی مشترک بودند. مفاهیم استنباط شده بارها مورد بازبینی قرار گرفت و توسط چندین نفر از متخصصان علوم دینی و آشنا با کتاب نهج البلاغه تأیید گردید. نمونه‌ای از کدگذاری باز در جدول شماره ۱ قابل ملاحظه است:

ردیف	واحد تحلیل	آدرس	کدگذاری باز	
			مفاهیم	مقوله
۱	فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَلَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ	خطبه ۳۸	ترس از مرگ نجات بخش از مرگ نیست و دوست داشتن مرگ بقا را به دنبال ندارد	ناگزیر بودن مرگ
۲	وَتَرَحَّلُوا فَقَدْ جَدَّ بِكُمْ وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ	خطبه ۶۳	از دنیا کوچ کنید و آماده مرگ شوید	۱. ناگزیر بودن مرگ ۲. کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن
۳	وَصَدَقَةُ الْعَلَانِيَةِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مَيْتَةَ السُّوءِ	خطبه ۱۰۹	صدقه و بخشش مالی مرگ بد را دفع می‌کند	۱. دور کردن مرگ فجیع با صدقه و بخشش مالی ۲. سختی مرگ

۱. غنیمت شمردن فرصت‌های حیات ۲. برنامه‌ریزی برای آخرت	هر انسانی باید از حیاتش برای پس از مرگش توشه بگیرد	خطبه ۲۳۷	فَأَخَذَ امْرَأُومِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَ أَخَذَ مِنْ حَيِّ لِمَيِّتٍ وَ مِنْ فَاِنٍ لِّبَاقِي وَ مِنْ ذَاهِبٍ لِّدَائِمٍ	۴
عبرت‌آموزی از مرگ دیگران	از مرگ مردگان و حمل آن‌ها به سمت قبر عبرت بگیرید	خطبه ۲۳۰	فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ حُمِلُوا اِلَيَّ قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِيْنَ وَ اُنزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِيْنَ	۵

جدول شماره ۱

با تجزیه و تحلیل مفاهیم برآمده از گزاره‌های مرتبط با مرگ و مرور چندین باره جدول کدگذاری باز، تعداد ۲۲ مقوله اصلی حاصل شد.

در این میان، مقوله «ناگزیر بودن مرگ» با ۶۶ بسامد، بیشترین فراوانی را در بین مقوله‌ها به خود اختصاص داد که این عدد گویای اهمیت بسیار بالای حضرت علی ع به این مقوله است. پس از آن، مقوله «برنامه‌ریزی برای آخرت» و «کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن» بیش از بیست گزاره در نهج البلاغه دارد که نشان می‌دهد، افزون بر باور قلبی به این پدیده باید برای آن طرح و نقشه داشت. پس از آن، مقوله‌های «غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی»، «ناخوشایند بودن مرگ»، «ترسناک بودن مرگ» و «مرگ با ارزش (شهادت)» بیش از ده بسامد دارند که به سویه‌های دیگری از مرگ‌اندیشی اشاره می‌کند. «آمادگی برای مرگ»، «زوال‌پذیری جهان»، «غفلت از مرگ»، «مرگ‌آگاهی»، «عدم اضطراب از مرگ»، «سختی مرگ»، «تقدیر الهی»، «پنهان بودن مرگ»، «عبرت‌آموزی از مرگ دیگران» و «رهایی از تعلقات دنیوی» به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. همچنین مقوله‌های «دور کردن مرگ فجیع با بخشش مالی»، «به تأخیر انداختن مرگ با صلوة ارحام»، «رضایت‌مندی از کمبودها»، «تواضع و فروتنی» و «پشیمانی و اندوه پس از مرگ» هر کدام با یک گزاره، کمترین فراوانی را در بین مقوله‌ها دارند. مقوله‌ها و میزان فراوانی

گزاره‌های آن‌ها در نهج البلاغه در جدول زیر قابل مشاهده است:

ردیف	مقوله	تعداد گزاره‌ها	ردیف	مقوله	تعداد گزاره‌ها
۱	ناگزیر بودن مرگ	۶۶	۱۳	عدم اضطراب از مرگ	۴
۲	برنامه‌ریزی برای آخرت	۲۹	۱۴	سختی مرگ	۴
۳	کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن	۲۴	۱۵	تقدیر الهی	۲
۴	غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی	۱۷	۱۶	پنهان بودن مرگ	۲
۵	ناخوشایند بودن مرگ	۱۵	۱۷	عبرت‌آموزی از مرگ دیگران	۲
۶	ترسناک بودن مرگ	۱۵	۱۸	رهایی از تعلقات دنیوی	۲
۷	مرگ با ارزش (شهادت)	۱۲	۱۹	تواضع و فروتنی	۲
۸	آمادگی برای مرگ	۹	۲۰	به تأخیر انداختن مرگ با صلۀ ارحام	۱
۹	زوال‌پذیری جهان	۸	۲۱	دور کردن مرگ فجیع با بخشش مالی (صدقه)	۱
۱۰	یاد مرگ	۸	۲۲	رضایتمندی از کمبودها	۱
۱۱	غفلت از مرگ	۷	۲۳	پشیمانی و اندوه پس از مرگ	۱
۱۲	مرگ آگاهی	۵			

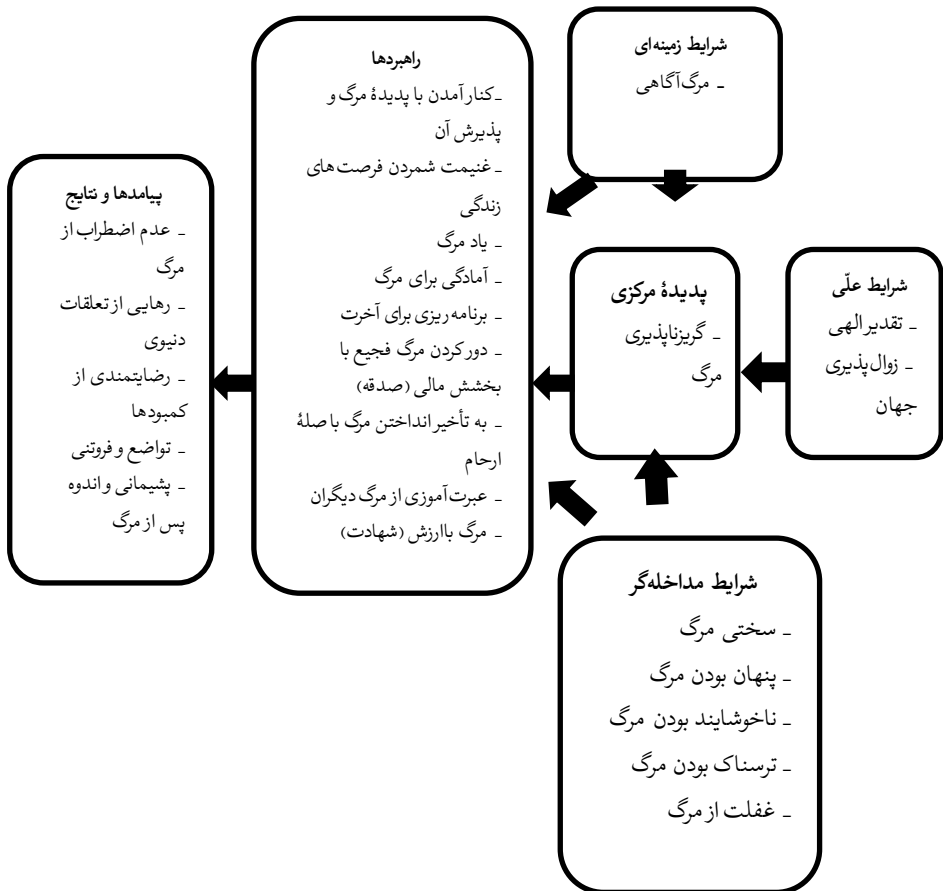
جدول شماره ۲

### ۳-۵-۲. نتایج کدگذاری محوری گزاره‌های مرتبط با مرگ در نهج البلاغه

در این مرحله، مقوله‌های حاصل از کدگذاری باز مورد بررسی قرار گرفته و ابتدا از میان مقوله‌های به دست آمده، پدیده محوری تعیین گردید. سپس با در نظر گرفتن ارتباط مقوله‌ها با پدیده مرکزی، «شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر» شناسایی شد. همچنین با تعیین راهبردها (استراتژی) و پیامدها از بین دیگر مقوله‌ها کدگذاری محوری تکمیل گردید.

در میان مقولات شناسایی شده، «ناگزیر بودن مرگ» با بیشترین میزان تکرار به عنوان پدیده مرکزی (محوری) انتخاب و ارتباط دیگر مقوله‌ها با آن بررسی شد. با تحلیل برآیند مقوله‌ها و سنجش ارتباط آن‌ها با پدیده محوری، دو مقوله «تقدیر الهی» و «زوال‌پذیری جهان» جزو شرایط علی، و «مرگ آگاهی» به عنوان شرایط زمینه‌ای، و همچنین «سختی مرگ»، «پنهان بودن مرگ»، «ناخوشایند بودن مرگ»، «ترسناک بودن مرگ» و «غفلت از مرگ» به عنوان شرایط مداخله‌ای، و «غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی»، «آمادگی برای مرگ»، «برنامه‌ریزی برای آخرت»، «دور کردن مرگ فجیع با بخشش مالی (صدقه)»، «به تأخیر انداختن مرگ با صلۀ ارحام»، «عبرت‌آموزی از مرگ دیگران»، «کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن» و «مرگ با ارزش (شهادت)» به عنوان راهبردها (استراتژی) و در نهایت به عنوان پیامد حاصل از راهبردها مواردی همچون «عدم اضطراب از مرگ»، «رهایی از تعلقات دنیوی»، «رضایتمندی از کمبودها»، «تواضع و فروتنی» و «پشیمانی و اندوه پس از مرگ» حاصل شد.

مجموع مقولات محوری و مقولات مرتبط با آن را می‌توان در قالب یک الگوواره (پارادایم) ترسیم کرد. توضیح آنکه پارادایم، یک موضع تحلیلی است که در گردآوری و نظم دادن به داده‌ها به ما کمک می‌کند، به نحوی که آن ساختار و فرایند با هم در پیوستگی می‌مانند. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۵۰) مدل پارادایمی مرگ‌اندیشی در نهج البلاغه به شکل زیر قابل ارائه است:



شکل ۲: «پارادایم» مرگ اندیشی در نهج البلاغه

### ۳-۵-۳. نتایج کدگذاری انتخابی گزاره‌های مرتبط با مرگ در نهج البلاغه

کدگذاری انتخابی، سومین مرحله کدگذاری روش داده بنیاد است. در این مرحله، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری باز و کدگذاری محوری به شکل نظام مند به یکدیگر ارتباط داده می‌شود. درحقیقت «کدگذاری انتخابی»، فرایند یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست. روایت یا ایجاد یک «خط داستان»، یکی از شیوه‌های انجام کدگذاری انتخابی است. خط داستان در واقع کدگذاری محوری را در روایتی منسجم روایت

می‌کند. (ایمان، ۱۳۹۷: ۸۰)

براین اساس آنچه در ادامه می‌آید، کدگذاری انتخابی و درحقیقت روایت خط داستان پدیده مرگ در اندیشه امام علی علیه السلام است که از آموزه‌های نهج البلاغه به دست آمده است:

انسان با اندکی تأمل درمی‌یابد که از مرگ راه‌گزینی ندارد و درحقیقت مرگ در کمین اوست (خطبه ۵۲) و هر لحظه ممکن است فرا برسد. (خطبه ۱۴۹) مرگی که بسیار جدی است و با کسی شوخی ندارد. (خطبه ۱۳۲) هرروزه قدرتمندان ثروتمندی را می‌بینید که با وجود برخورداری از امکانات بسیار تن به مرگ داده و به سوی قبرستان حمل می‌شوند (خطبه ۱۳۲) و دیگر هیچ ارتباطی با بستگان و دوستانشان ندارند. مرگ ویژگی اصلی جانداران بوده و فناپذیری، خصلت ذاتی این جهان است. ناگزیر بودن مرگ سنتی الهی و ناشی از تقدیر الهی است که این جهان را با همین ویژگی آفریده و پدیده مرگ و زوال‌پذیری جهان را چون قانونی تخلف‌ناپذیر بر آن حاکم کرده است. (نامه ۳۱)

انسان می‌داند که می‌میرد و این آگاهی در کنار ترسی که ایجاد می‌کند، زمینه و بستر اندیشیدن درباره مرگ را فراهم می‌آورد. این آگاهی در انسان زمانی با اندیشیدن درباره فرجام خود و گاهی با مشاهده مرگ دیگران تازه می‌شود و برای مدتی اندیشه مرگ را در انسان زنده می‌کند. البته پدیده مرگ برای انسان ناخوشایند است (خطبه ۲۱۲) و این ناخوشایندی در کنار ترس از مرگ و سختی‌های آن در اندیشه‌ورزی درباره مرگ مداخله می‌کند و بر کم‌وکیف اندیشیدن درباره مرگ اثر می‌گذارد. در مقابل، پنهان بودن زمان مرگ (حکمت ۴۱۱) و غفلت انسان از مرگ (حکمت ۱۱۸ و ۱۲۱) که غالباً به وسیله اشتغالات روزمره و فرورفتن در لذت‌های دنیوی ایجاد می‌شود، در فراموشی اندیشه‌ورزی این پدیده دخالت کرده و در بسیاری از مواقع از مرگ‌اندیشی جلوگیری می‌کند.

انسان در برابر اندیشه مرگ و اضطراب و ترس ناشی از آن، با راهبرد کنار آمدن با این پدیده و پذیرفتن آن به عنوان واقعیت دنیا (نامه ۳۱) برخورد می‌کند. هرچند با بخشش مالی (صدقه) و صلّه ارحام می‌توان زمان مرگ را به تأخیر انداخت و یا از مرگ سخت و



دلخراش جلوگیری کرد (خطبه ۱۰۹)، آمادگی برای مرگ و غنیمت شمردن فرصت‌های زندگی (نامه ۳۱) برنامه‌ریزی برای آخرت (نامه ۶۶ و ۷۵) را باعث می‌شود. واکنش انسان در برابر مرگ دیگران عبرت‌آموزی از این پدیده فراگیر است (خطبه ۲۳۰) و در نهایت، مرگی مطلوب و دوست‌داشتنی تلقی می‌شود که ارزشمند باشد. شهادت در راه خدا مرگ ارجمند و مطلوبی است که انسان، خودخواسته و با کمال میل آن را انتخاب می‌کند. (نامه ۳۵ و حکمت ۳۹۰)

کاربست راهبردهای مرگ‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای آخرت و عبرت‌آموزی از مرگ دیگران به‌رایی از تعلقات دنیوی می‌انجامد (خطبه ۱۴۳) و در نتیجه اضطراب از مرگ را می‌کاهد. (حکمت ۲۹۸) کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش منطقی آن رنج کمبودها و مشکلات زندگی را تنزل می‌دهد و رضایتمندی از کاستی‌ها و مشکلات زندگی را فراهم می‌سازد. (حکمت ۳۴۱) اندیشه مرگ غرور و تکبر را می‌زداید (حکمت ۳۲۸) و به تواضع و فروتنی می‌انجامد. تنها انسان‌هایی پس از مرگ دچار پشیمانی و اندوه خواهند شد که با غفلت از مرگ فرصت‌های حیات را غنیمت نشمرند و برای آخرت برنامه‌ریزی نکنند. (خطبه ۶۳)

#### ۴. نتیجه‌گیری

کلیدواژه «موت» و کلمات مترادف آن در نهج‌البلاغه، چیزی در حدود ۱۴۲ گزاره را شامل می‌شود که در این نوشتار با روش تحلیل محتوای کیفی و با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) کدگذاری شد. این گزاره‌ها در سه مرحله «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» مقوله‌بندی شدند. در میان مقوله‌های به‌دست‌آمده از مفاهیم اولیه، «ناگزیر بودن مرگ» به دلیل بسامد بالا به‌عنوان پدیده محوری انتخاب شد و آن‌گاه ارتباط دیگر مقولات با آن مورد مذاقه قرار گرفت. سپس با تعیین شدن شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردهای متناسب با پدیده محوری معلوم گردید و در نهایت، پیامدها و نتایج ناشی از راهبردها ارائه شد.

مهم‌ترین علت ناگزیری مرگ از منظر نهج‌البلاغه تقدیر الهی و زوال‌پذیری دنیاست که خود از اراده الهی ناشی می‌شود؛ خداوندی که همه اسباب مرگ و حیات در دست اوست. (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۲۰ / ۵)

در منطق نهج‌البلاغه انسان‌ها برای ماندن در دنیا خلق نشده‌اند و این مرگ است که سرنوشت قطعی و گریزناپذیر همه انسان‌هاست. (نامه ۳۱) مرگ از سایه به انسان نزدیک‌تر است و بی‌تردید انسان را از این دنیا می‌راند (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۵ / ۱۶۶)؛ پس آنچه مطلوب است، آخرت است و نه دنیا. (المؤید بالله، ۱۴۲۴: ۲۳ / ۵)

درباره شرایط زمینه‌ای مرگ‌اندیشی این نتیجه به دست آمد که «مرگ‌آگاهی» در انسان‌ها به‌مثابه بسترو زمینیه مرگ‌اندیشی عمل می‌کند و انسان‌ها را به اندیشیدن درباره مرگ و ملزومات آن وامی‌دارد؛ یعنی امری که قرآن بی‌مبالاتی نسبت به آن را غفلت معرفی کرده است (ق / ۲۲) و برای یادآوری تأکید می‌کند: «هرجا که باشید مرگ شما را درمی‌یابد». (نساء / ۷۸) همچنین اصرار بر یاد کردن مرگ در نهج‌البلاغه، برای زدودن غفلت از زمینه مرگ‌آگاهی در انسان است (خطبه ۲۳) یاد مرگ دوری از دنیاخواهی و رغبت به آخرت جویی را به دنبال دارد (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۱ / ۱۵۳) درباره شرایط مداخله‌گر، چند عامل اساسی در مرگ‌اندیشی دخیل است و مهمترین عامل، ناخوشایند بودن مرگ است. دلایل زیادی برای این ترس طبیعی وجود دارد؛ از جمله آنکه مرگ، پایانی بر زندگی دنیوی است (خطبه ۱۵۵)؛ زیرا دنیای انسان عبارت است از کلیه اعمال جسمانی‌ای که در طول دوران پیش از مرگ انجام می‌دهد و با فرارسیدن مرگ همه آن‌ها پایان می‌یابد. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۳ / ۴۷۶) همچنین آرزوهای لذات‌گیتی را تباہ می‌کند (خطبه ۲۲۱) و آن‌که به دنیا تعلق خاطر دارد، مرگ را ناخوشایند می‌شمرد. (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۸ / ۳۸۱)

ملزومات مرگ نیز بر ناخوشایندی آن می‌افزاید؛ تابوت، قبرستان، تشییع جنازه، قرار گرفتن در قبر و تنهایی قبربره‌راس از مرگ دامن می‌زند. (خطبه ۸۲) سختی‌های لحظه مرگ نیز در این ترس دخیل است (خطبه ۱۱۲)؛ چرا که مرگ سختی‌هایی دارد که به عقل

در نمی آید. (مجلسی، ۱۴۰۸: ۱/ ۱۴۹)

از سوی دیگر، زمان مرگ مشخص نیست. (حکمت ۴۱۱) گفتنی است نامشخص بودن زمان مرگ و غفلت از آن در دو سوی طیف مرگ اندیشی و غفلت از مرگ اثرگذار است. گروهی با این اندیشه که هر لحظه ممکن است عمرشان به سررسد، به مقوله مرگ توجه کرده و در این باره می اندیشند و گروه دیگر به دلیل پنهان بودن اجل از اندیشیدن درباره آن غافل اند؛ از این رو امام علی علیه السلام از انسانی که مرگ دیگران را دیده؛ اما از مرگ خود غافل است، اظهار شگفتی می کند. (حکمت ۱۲۱) بدیهی است که فراموش کردن مرگ با وجود دیدن همیشگی آن جای تعجب دارد. (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۵ / ۳۱۰)

در جواب این سؤال که مرگ اندیشی چه راهبردهایی را در انسان برمی انگیزد و موجب چه کنش و واکنش هایی در او می شود، داده های مندرج در نهج البلاغه راهبردهای مختلفی برای پدیده مرگ فرا روی آدمی قرار می دهد. یکی از این راهبردها سازش و کنار آمدن با پدیده مرگ و پذیرش آن است؛ چراکه مرگ بسیار جدی است و با کسی شوخی ندارد. (خطبه ۱۳۲) اشاره به اینکه «مالک مرگ، همان مالک حیات است و آن که می آفریند، هموست که می میراند» نیز در همین راستاست. (نامه ۳۱) باید دانست که انسان برای این جهان خلق نشده و مرگ فرجام نهایی انسان در این جهان است (همان) فرشته ای هر روز ندا درمی دهد که عاقبت آدمیان مرگ است (حکمت ۱۳۷)؛ مرگی که فرد گریزان نیز با آن روبه رو خواهد شد. (خطبه ۱۴۹) با فرار از مرگ نمی توان اجل قطعی خود را تغییر داد (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۳ / ۱۲۵)؛ بنابراین بهترین کنش انسان در مواجهه با ناگزیری مرگ، پذیرش واقعیت مرگ و کنار آمدن با آن است.

انسان مرگ اندیش از منظر نهج البلاغه هم زمان با پذیرش مرگ، راهبرد غنیمت شمردن فرصت های حیات و آمادگی برای رویارویی با مرگ را دنبال می کند که راهبردی شایان توجه است (خطبه ۷۵)؛ چرا که مرگ به ناگاه فرا می رسد و امیدوی به بازگشت عمر نیست. (خطبه ۱۱۳) تا زبان ها آزاد، بدن ها سالم، اعضا و جوارح آماده، میدان عمل وسیع و فرصت باقی است باید عمل صالح انجام داد؛ پیش از آنکه این فرصت از دست برود و

مرگ فرا رسد. (خطبه ۱۸۷) عمر انسان که ظرف انجام عمل است، کاسته و سپری می‌شود و بر اثر پیری عقل انسان که شرط تکلیف است، ضعیف و ناتوان شده و حالت کودکانه پیدا می‌کند و همچنین از انجام دادن بیشتر اعمال عبادی بازمی‌ماند. (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۸۹)

عطف توجه به این نکته که دنیا محل گذر و آخرت سرای بقاست (خطبه ۲۰۳)، راهبرد برنامه‌ریزی برای سرای آخرت در نظر گرفته می‌شود. هرکس به واقع منتظر مرگ باشد، در فکر نیکوکاری برای رستاخیز خود است (حکمت ۳۰) و با بهترین توشه برای سرای دیگر از این دنیا کوچ می‌کند. (خطبه ۴۵)

انسان به طور ذاتی زندگی و حیات را دوست دارد، از مرگ می‌گریزد و افزایش عمر را طلب می‌کند. کلام علوی می‌آموزد که با صله ارحام و نیز با بخشش مالی (صدقه) می‌توان زمان مرگ را به تأخیر انداخت و جلوی مرگ‌های وحشتناک و سخت را گرفت. (خطبه ۱۰۹) دستاورد این راهبرد آن است که به جای ترس از مرگ و اضطراب ناشی از آن باید به زندگی بیشتر و عمر طولانی‌تر امیدوار بود و حتی مرگ ناگوار را از خود راند.

نهج البلاغه به واکنش عبرت‌آموز انسان‌ها از مرگ دیگران به مثابه راهبردی که مرگ‌اندیشی را اخلاقی‌تر و اثرگذارتر می‌کند، نگریسته است. چه بسیارند کسانی که در آغاز روز زنده بودند؛ اما روز را به پایان نبردند و چه بسیارند کسانی که در آغاز شب، زندگی‌شان مورد غبطه بود؛ اما در پایان شب عزاداران به سوگشان نشستند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۵ / ۱۵۴) با این نگرش، هر انسانی از مرگ و ملزوماتش موعظه پذیرفته و عبرت می‌گیرد (خطبه ۲۳۲)؛ چراکه مرگ درگذشتگان و حمل آن‌ها به سمت قبر عبرتی در پی دارد که برسبک زندگی انسان و نوع رفتار او اثر می‌گذارد (خطبه ۲۳۰)؛ پس با دیدن اموات و مشاهده جنازه‌ها نباید جاهلانه تصور شود که این پدیده صرفاً برای دیگران است (مغنیه، ۱۹۷۹: ۴ / ۲۹۴) و یا این پندار پدید آید که مردگان به زودی به سوی ما برمی‌گردند. (حکمت ۱۱۸)

از دیگر دستاوردها باید به این نکته اشاره کرد که نهج البلاغه شهادت را راهبردی

مطلوب و دوست داشتنی دانسته است؛ چنان‌که حضرت علی علیه السلام گرامی‌ترین مرگ را شهادت در راه خدا برشمرده و سوگند یاد می‌کند که چنین مرگی برای وی آسان‌تر از مرگ در بستر است. (خطبه ۱۲۲)

براساس داده‌های این نوشتار، کنش‌ها و واکنش‌ها در برابر پدیده مرگ و بهره‌گیری از راهبردهای ثبت‌شده در نهج‌البلاغه، پیامدها و نتایج ملموسی به بار می‌آورد. نخست آنکه به‌رهایی انسان از تعلقات و آرزوهای دنیوی می‌انجامد. اگر آدمی به پایان زندگی و مرگ خویش بیندیشد و راهبردهای پیش‌گفته را به کار بندد، آرزوهای دنیوی و فریب‌کاری را کنار می‌گذارد. (حکمت ۳۲۸) نتیجه پذیرش مرگ و کاربست راهبردهای آن کاستن از اضطراب و مرگ‌هراسی است. در این راستا باید به این آموزه نهج‌البلاغه اشاره کرد که دو فرشته انسان را محافظت می‌کنند و تا اجل به سر نیاید، مرگی رخ نمی‌دهد (حکمت ۱۹۲)؛ درحقیقت هر انسانی سرنوشت حتمی معینی دارد و تا آن زمان فرا نرسد، جان او محفوظ است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۴ / ۵۰۹) و باور به اجل یعنی مشخص بودن مرگ هرکسی در زمانی خاص به منزله محافظی است که او را از مرگ نامعین بازمی‌دارد. (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۱۹ / ۲۱)

پیامد دیگری که مرگ‌اندیشی به ارمغان می‌آورد، رضایتمندی از کمبودها و مشکلات زندگی است. کسی که اندیشه مرگ را با مدل نهج‌البلاغه پی‌گرفته و از مرگ بسیار یاد می‌کند، به ناچیز بودن دنیا رضایت داده و از کمبودهایش مستأصل نمی‌شود. (حکمت ۳۴۱).

تواضع و فروتنی پیامد دیگری است که مرگ‌اندیشی در نهج‌البلاغه بر آن صحه می‌گذارد. یاد مرگ این ظرفیت را دارد که غرور و تکبرانسان را بکاهد و دل انسان را نرم کند. (نامه ۳۱) از سوی دیگر، بی‌توجهی به مرگ و غرق شدن در لذت‌های دنیوی و استفاده نکردن از فرصت‌های حیات، نتیجه‌ای جز پشیمانی و اندوه نخواهد داشت. امام علی علیه السلام از درگاه الهی درخواست می‌کند در شمار انسان‌هایی قرار نگیرد که نعمت‌های خداوند را تباه می‌کنند و در امر اطاعت کوتاهی کرده و پس از مرگ، کاسه حسرت سر

می‌کشند. (خطبه ۶۳)

از یافته‌ها می‌توان به این جمع‌بندی نهایی دست یافت که پدیده مرگ در چشم‌انداز نهج‌البلاغه سختی‌هایی دارد که نمی‌توان آن را توصیف کرد و دشواری‌هایی دارد که عقول آدمی از درک آن ناتوان است. (خطبه ۲۱۲) حضرت علی علیه السلام خود به این امر اعتراف دارند که تا چه حد در اسرار پنهان مرگ کنجکاو کرده‌اند؛ اما از آنجا که اراده الهی بر پوشیدگی اسرار مرگ قرار گرفته، این راز برملا نشده است. (خطبه ۱۴۹) با وجود این و به رغم رازآلودگی ذات و ماهیت مرگ، اندیشیدن درباره مرگ با مدلی که توضیح داده شد، توصیه جدی نهج‌البلاغه است. امام علی علیه السلام سفارش اکید دارند که بسیار به یاد مرگ و پس از مرگ باشید؛ زیرا یاد آن‌ها بزرگ‌ترین پنددهنده و بازدارنده از دنیاپرستی است. (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۵/ ۲۲۳) در این مدل، آن نوع از مرگ‌اندیشی توصیه و تجویز می‌شود که به آماده شدن برای مرگ و غنیمت شمردن فرصت‌های حیات و برنامه‌ریزی برای آخرت بینجامد و انسان در مواجهه با مرگ دیگران عبرت گیرد. هرچند در این مدل، روش‌هایی مانند بخشش مالی (صدقه) و صلوة ارحام برای به تعویق افکندن و رهایی از مرگ‌های سخت و وحشتناک وجود دارد؛ ولی مهم‌تر از همه آن است که واقعیت مرگ مورد پذیرش انسان باشد و با آن کنار بیاید. در مراتب بالاتر افزون بر پذیرش مرگ، از مرگ ارجمندی همچون شهادت استقبال می‌شود و در اندیشه انسان‌های متعالی‌ای مانند امام علی علیه السلام تا لحظه آخر عمر به آرزوی ثابت و خواستنی تبدیل می‌گردد. مرگ‌اندیشی با این مدل، اضطراب و ترس ناشی از نیستی را از بین می‌برد و یا حداقل سبب کاهش آن می‌شود. در این مدل، یاد مرگ به رهایی آدمی از وابستگی‌های دنیوی می‌انجامد و تاب‌آوری در برابر کمبودها و کاستی‌های اجتناب‌ناپذیر را فزونی می‌بخشد. علاوه بر این، حس تواضع و فروتنی را تقویت می‌کند؛ امری که بایسته زندگی اجتماعی است. در مقابل، انسان‌هایی در این جهان از مرگ‌اندیشی، دچار تشویش خاطر و اضطراب شده و در جهان دیگر گرفتار اندوه و پشیمانی می‌شوند که اندیشه‌ورزی آنان درباره مرگ با این مدل همخوانی نداشته باشد.

## ۵. پیشنهادها

مرگ اندیشی با مدل نهج البلاغه می تواند مدلی کارآمد در سطح جامعه به ویژه جوامع دینی قلمداد شود؛ از این رو استفاده از این مدل برای طراحی آموزشی پیشنهاد می شود. خروجی این مدل می تواند از حیث آموزشی به پیشگیری از ترس و اضطراب ناشی از مرگ بینجامد و هم زمان در بعد بالینی و کلینیکی، ترس (فوبیای) مرگ را درمان کند.

## منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی رحمته الله، قم، بی تا.
۲. ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، دفتر نشر الكتاب، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۳. احمدی ملکی، رحمان، «مرگ آگاهی در بینش اعتقادی»، نامه حکمت، شماره ۳۲، ۱۳۷۸ ش.
۴. استراوس، آنسلم و جولیت کوربین، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه منابیی، رویه ها، و شیوه ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۵. ایمان، محمد تقی، روش شناسی تحقیقات کیفی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۷ ش.
۶. پورجوهری، علی، پیوند اعضا و مرگ مغزی در آئینه فقه، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۷. حریری، نجلا، اصول و روش های پژوهش کیفی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۸. خادم جهرمی، حامده، «آثار فردی و اجتماعی مرگ اندیشی از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، شماره ۲۵، ۱۳۹۸ ش.
۹. دانایی فرد، حسن و دیگران، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، صفار، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۰. سراج زاده، سیدحسین و دیگران، «نگرش لاهوتی و ناسوتی نسبت به مرگ، مطالعه مرگ اندیشی نمونه ای از دانشجویان با روش نظریه زمینه ای»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۴۰، ۱۳۹۴ ش.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام اصفهانی، مؤسسه فیض الاسلام، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۱۲. طهماسبی، رضا و دیگران، «مدیریت استعدادها: یک نظریه داده بنیان»، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، مدیریت دوتنی، دوره هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۴ ش.

۱۳. علی احمدی، علیرضا و ناهید ساروی مقدم، *روش‌شناسی داده‌بنیاد و رویش نظریه‌ها و کاربرد آن برای تولید دانش بومی*، تولید دانش، تهران، ۱۳۹۷ ش.
۱۴. قاسمی، حمید و دیگران، *مرجع دانش*، اندیشه آرا، تهران، ۱۳۹۹ ش.
۱۵. قائمی، محمد مهدی و احمد واعظی، «حقیقت مرگ، مرگ‌اندیشی و معنای زندگی»، فصلنامه علمی-پژوهشی *آیین حکمت*، شماره ۲۰، ۱۳۹۳ ش.
۱۶. قربانی، هاشم، «معنای زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل»، فصلنامه *تأملات فلسفی*، شماره ۳، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. کمالی بانیانی، مهدی رضا و دیگران، «واکوی مسائل مرگ و زندگی در نهج البلاغه»، فصلنامه *پژوهشنامه نهج البلاغه*، شماره ۱۷، ۱۳۹۶ ش.
۱۸. کوبرلر اس، الیزابت، *آشنی با مرگ*، ترجمه مهدی قرچه داغی، نشر اوحی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. کلباسی اشتیری، حسین و زهرا نقوی، «حقیقت موت، انواع و مراتب آن از دیدگاه علامه طباطبایی»، *قبسات*، شماره ۷۸، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، *شرح نهج البلاغه؛ المقتطف من بحار الأنوار للعلامة المجلسی*، استخراج و تنظیم علی انصاریان، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. محمدپور، احمد، «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی، اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم پذیری»، فصلنامه *علوم اجتماعی*، شماره ۴، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. مظفری ورسی، محمدحیدر، *مرگ‌اندیشی در آموزه‌های اسلامی*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. مغنیه، محمد جواد، *فی ظلال نهج البلاغه*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۹ م.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *پیام امام امیرالمؤمنین علی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. ملوین، مورس، *ادراکات لحظات نزدیک به مرگ و تحولات روحی آن*، ترجمه رضا جمالیان، موسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۲۶. مهری، هژیر و دیگران، «مرگ‌اندیشی در پرتو دیدگاه‌های اسلامی و غربی: مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های ملاصدرا و هایدگربا توجه به نظرات هانری کربن»، انجمن علمی فلسفه دین ایران، *جستارهای فلسفه دین*، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۹۷ ش.
۲۷. المؤید بالله، یحیی بن حمزة، *الدیاج الوضی*، مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافية، صنعاء، ۱۴۲۴ ق.
۲۸. *نرم‌فزار دانشنامه علوی*، نسخه ۲.
۲۹. هاشمی خوبی، حبیب الله بن محمد، *منهاج البراعة*، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۰ ق.